



حضرت امام (قدس سره):
**«تمام مردم موظف اند
 که در انتخابات حاضر
 باشند و تحت تأثیر هیچ کس
 قرار نگیرند.»**

به استقبال انتخابات

از عواقب اختلاف و

حجة الاسلام والمسلمین

«ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مبنای اخلاقی و دینی است، جنس اختلافی وجود دارد برای آن است که حجت می باشد هر یک برای بدست آوردن آن با دیگری به رقابت می مقام را می خواهد قهراً منحرف به حسادت و برخورد می هدفی جز خدا ندارند، هیچ گاه با هم برخورد نداشته جنس

باشند! امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه معروف به «جهاد» با سخن بسیار درمندانته ای ضمن توییح یاران خود می فرماید: «فیعاجبا عجا و الله، یعمیت القلب و یجلب الهم اجتماع هؤلاء علی باطلهم و یفرقکم عن حقیکم».

(نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

شگفتا، شگفتا!! بخدا قسم آنچه قلبها را می میراند و موجب اندوه می شود، این است که آنها (یاران معاویه) در باطل شان متحدند و شما در حقیقت متفرق!!

حقایق تلخ را باید بدبرفت
 حضرت امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات زندگی به فرزندش علی بن الحسین علیه السلام نصیحت فرمود که: «بابی! اصبر علی الحق وان کان مرأ» (اصول کافی - ج ۲ ص ۹۲) - فرزندم! بر حق صبر کن گر چه تلخ باشد.

از مقدمه بگذریم به اصل مطلب بپردازیم. یکی از مسائل حیاتی امروزه مسئله وحدت و پرهیز از اختلافات زبانی آور است. همان

سخن حضرت امام برگرفته از قرآن کریم است. قرآن در بیان ریشه اختلافات چنین می گوید: «وما تفرقوا الا من بعد ما جانکم العلم بلیاً بینهم» (شوری / ۱۴).

- آنها اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه علم به حقیقت پیدا کردند و این روی سرکشی بر یکدیگر بود.

همچنین قرآن کریم تفرق و تنازع را عامل ضعف و فروپاشی دانسته و مسلمانان را از آن بر حذر می دارد: «ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم» (انفال / ۶۴).

۱- از نزاع و تخاصم پرهیزید که شما را دستخوش فشل و ضعف می کند و قدرت و عظمت تان را بر باد می دهد.

و در مناسبتی دیگر درباره گروه های پراکنده دل، می فرماید: «تحمیم جمیعاً و قلوبهم شنی ذلک بانهم قوم لا یعقلون» (حشر / ۱۴) - می پنداری متفق اند در حالیکه قلب هایشان پراکنده است، چرا که آنها تعقل ندارند.

و بدینسان قرآن وحدت و همدلی را شرط عقل می داند و تفرقه و تشقت را نشانه بی خردی. گفتار سعدی از همین جا گرفته شده که می گوید:

دو عامل را نباشد گیس و پیکار
 نه دانا خود سنیزد با سیکار
 اگر نادان به وحشت سخت گوید
 خردمندش به نرمی دل بسجوید
 دو صاحب دل نگه دارند مونس
 هم ایستون سرکش و آرزم جونس
 اگر از هر دو جانب جاهلانند
 اگر زنجیر باشد بگسلانند!

اهمیت وحدت و برادری آنگاه بیشتر ملموس می گردد که دشمنان برای نابودی حق دست به دست بدهند. اما دوستان در راه حق متفرق



جلس شورای اسلامی

روش حذفی بهراسید!

مجتهد تقی رهبر

آن باشد به حجت دنیا بازی گردد و اگر در میان شما هم از دل بیرون نکرده اید و از آنجا که منافع دنیا محدود می خیزد، شما خواهان فلان مقامید، دیگری نیز همان... لیکن مردان خدا که حجت دنیا را از دل بیرون کرده

مقاصب و مفاسدی را بار نمی آورند».

«امام خمینی (قدس سره) - جهاد اکبر»

عامل رشد و شکوفایی اندیشه ها است، اما اگر جریان های مختلف به جان هم افتادند و یکدیگر را نفی و حذف کردند این جز فاجعه برای این کشور شمره ای ندارد. و خدا نکند ما دچار چنین فاجعه ای باشیم، بخاطر داریم که حضرت امام طوسی نامه مورخه ۶۷/۸/۱۰ در خصوص اختلاف نظرهای دو جریان چنین فرمودند:

«... آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفا دارند و دلشان برای کشور و مردم می سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظر دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو جریان

حضرت امام (رضوان الله علیه):

من و شما نباید خودمان را بازی بدهیم، اختلافات ریشه اش از حسبت نفس است».

در تائید و تشبیهت ولایت فقیه می دانند که ستون اصلی انقلاب اسلامی و سمبل عظمت و قدرت ما در سطح جهانی است. و به این ایده و اعتقاد تصریح کرده و بیعت همیشگی نموده اند و ما خداوند را بر این وحدت و همدلی سپاس می گوئیم که امروزه بیش از هر زمان دیگر بدان نیاز داریم. بعلاوه چهره های اصلی دو جریان، زجر انقلاب را کشیده و شهید و مجروح داده، ترور شده و زخم خورده و آسیب دیده اند و استخوانی در اسلام خرد کرده اند.

چنین می نمایم که حاشیه ها باشید که سهوا یا عمداً به اختلاف دامن می زنند و با دستخوش برخی ندانم کاری ها و با برداشتهای غلط و دلسوزی های بی مورد گشته اند. و این وظیفه عقلای قوم است که حاشیه ها را هدایت کنند و مجال تفرقه افکنی به آنها ندهند. حال که چنین است، آیا نمی توان در همین مسئله انتخابات مجلس که مسئله روز است، راه تفاهم پیش گرفت؟ چه اشکالی دارد برای حفظ وحدت و ارتباط، دو جریان حداقل چند مورد کاندیدای مشترک داشته باشند و باب آشتی را باز گذارند و محیطی از تفاهم بوجود آورند؟ آیا توجه کرده ایم که دورنمای این جنگ روانی برای خودی چقدر رنج آور و برای بیگانه چه اندازه موجب شادمانی است؟ آیا می دانیم که برخی موضعگیری ها عقائد مردم را نسبت به مسئولان بویژه جامعه محترم روحانیت مست و متزلزل می کند؟ پس چرا مسئولیت خود را از یاد برده ایم؟ چرا روح برادری را فراموش کرده ایم؟ مگر ما نبودیم که در انقلاب دست در دست هم داشتیم و در روزهای حادثه فریاد جمع مان بلند بود و حرکتیمان پشت دشمن را شکست پس چرا امروز اینگونه برخورد می کنیم؟

می خواهند سبزه و سر زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند، هر دو جریان می خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان زندگی پاک و سالمی داشته باشند، هر دو جریان می خواهند دزدی و ارتشاء در دستگاه های دولتی و خصوصی نباشد و هر دو می خواهند ایران از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند. هر دو می خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟».

(صحیفه نور - ج ۲۱ ص ۴۸)
و اعتقاد ماست که هم اکنون و پس از رحلت حضرت امام نیز خط مشی دو جریان همان است که آن بزرگوار فرمودند. بعلاوه آنکه هر دو جریان را مطیع مقام معظم رهبری می دانیم و بدون تردید آنان حفظ انقلاب را

از امام و امت بیاموزیم **~~~~~**
 بیاید از امام بیاموزیم، آن کوه بلند وقار و استقامت و آن اقیانوس بی کران تحمل و صبر و گذشت خصلتی که فلک را به تسلیم می کشاند، او پیش از لقب خدمتگزار به خود نمی داد. از امام بیاموزیم و اندرزهای مشفقانه اش، منشور برادری اش و اهتمامی که به جذب و تفاهم گروه ها داشت، از مردم بیاموزیم، مردمی که با خون و اشک سالهای سال، بی توقع و بدون نام و نشان، هر آنچه در توان داشتند به پای انقلاب اسلامی ریختند، شهید و اسیر و مفقود و معلول دادند و با مشکلاتی که در زندگی اقتصادی امروزه نیز با آن دست به گریبانند و با تمام خون دلی که از دست شهرداری و دارائی و... می خورند، و گرانی و فشار اقتصادی و تناقضات اخلاقی که می بینند، با اینهمه، بخاطر آرمان هایشان و خدا و دینشان، یک پارچه، چون ید واحد، به صحنه می آیند و مشت بر دهان شیطان بزرگ و عمله و مزدورانش می زنند و بر سر پیمانی که با خدا و امام راحل بسته اند و یعنی که با مقام معظم رهبری نموده اند، چون کوه استوار ایستاده اند که نمونه اخیر آن را در همین راهپیمانی بیست و دوم بهمین دیدیم، که رودهای عظیم انسان ها با عشق و ایمان بهم پیوستند و اقیانوس بی کرانی را در میدان ها و خیابان ها به نمایش گذاشتند و آب پاکی روی دست دشمن ریختند و این سنت همیشگی مردم است که امام به آنها آموخت. واقعاً این مردم خوب، باید الگوی ما باشند. این مردم تلاشگر و بی توقع و این سربازان گمنام اسلام و امام زمان عجل الله فرجه را نگهداریم، ما باید به دیگران درس صمیمیت بدهیم و همدلی را بیاموزیم نه با کم ظرفیتی و تنگ نظری ها تحمل یکدیگر را

نداشته باشیم و از اختلافات جزئی نگذریم البته در این میان مسئولیت عالمان بیشتر است.

مسئولیت سنگین امروز ما **~~~~~**
 علی علیه السلام فرمود: «زلة العالم کاتسار السفینه تفرق وتفرق معها غیرها» (غررالحکم).

- لغزش عالم به شکستن کشتی ماند که هم خود غرق می شود و هم سرنشینان کشتی

حضرت امام (قدس سره):
«شورای نگهبان بدون ملاحظه از هیچ کس، فقط و فقط خدا را در نظر بگیرند.»

را غرق می کند.
 مواظب باشیم ما آن کشتی شکسته نباشیم که هم خود را نابود کنیم و هم دیگران را! امروز شیطان بزرگ، در نظم نوین جهانی اش، با یک رقیب سرسخت روبرو است و آن انقلاب اسلامی است و با تمام توان می کوشد راه انقلاب را که در حال گسترش به سراسر جهان است سد کند، انقلابی که به خواست خداوند قدرت مطلق آینده جهان خواهد شد. همانگونه که حضرت امام فرمودند: «من با اطمینان می گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت خواهد نشاند».

چرا ما جایگاه خودمان را فراموش کرده ایم؟ آیا این خود فراموشی نتیجه چه می تواند باشد؟ خدا نکند مصداق: «نوالله فاناهم انفسهم» باشیم، عملکرد فرد فرد ما بخواهیم و یا نخواهیم به حساب اسلام و روحانیت گذاشته می شود. مگر داعیه دار زمینه سازی حکومت جهانی حضرت مهدی

عجل الله تعالی فرجه نستیم و معتقدیم پرچم انقلابمان را به دست آن حضرت باید بسپاریم؟ این کار فداکاری، هوشیاری و گذشت می طلبد. ما که دستمان را به آن دنیا دراز کرده ایم تا ملل و مذاهب را زیر پرچم اسلام متحد در آوریم باید در خانه خود تفاهم داشته باشیم؟...

مسئله انتخابات الآن متنگ محکی است که می تواند اندازه صداقت و صفای ما را به نمایش گذارد. و برای جامعه نیز ملاک داوری باشد، ما که مردم را به مشارکت فراگیر دعوت می کنیم الگوی خوبی به مردم نشان دهیم و تا حد ممکن در راه ائتلاف و تفاهم کاری بکنیم...

گامی به سوی وحدت **~~~~~**
 در میان کاندیداهای دو جناح افراد صالح و خوشنام بسیارند که می توانند در مورد آنها تفاهم کنند و با سوگند می توان گفت هیچیک از دو جناح، بی تفاوت نسبت به انقلاب، ضد ولایت فقیه، مخالف خط امام، لیبرال، آمریکائی، طرفدار استعمار... نیستند، همه آنها به راه امام و مقام رهبری وفادارند، بویژه چهره های شاخص دو جریان که مورد تأیید حضرت امام بوده و نوشته های حضرت امام «ره» در تأیید آنان در «صحنه» موجود است. حال که چنین است، چرا برخی گروه ها می گویند فلان کاندیدا گرچه صالح و شایسته هم باشد چون با جناح دیگر رابطه دارد و یا از جناح دیگر است و آنها او را تأیید کرده اند پس ما او را قبول نداریم؟! این داوری با کدام عقل و منطق و دین سازگار است؟!...

ما باید مجلس را نگهداریم: **~~~~~**
 برادران! مجلس جای تنش و جنگ روانی نیست. جای بحث و بررسی و تضارب افکار و

تصمیم گیری منطقی و عاقلانه در پیرامون قوانینی است که حیات امت و سرنوشت اسلام و انقلاب بدان بستگی دارد، از این رو افرادی می خواهد واقع بین، باسواد، مؤمن، عاقل، انقلابی، سیاسی، مآل اندیش، خوش نام و خوش سابقه و در عین حال، خاکی، وارسته، زجر انقلاب کشیده و دلسوز و همدرد مردم. مسایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضائی، اجتماعی و روح زمان و وضع جهان و اوضاع سیاسی بین المللی را بشناسند و در هر جا موضع مناسب با بینش عمیق اسلامی اتخاذ کنند، استقلال رأی داشته باشند، دنباله رو، مست اراده و آسیب پذیر نباشند، الفبای پروپاگانديست ها را رو نویسی نکنند.

این همان ملاکی است که حضرت امام دست دادند: «پس مردم افرادی را که تعیین می کنند باید سعی در شناسائی آنها نموده و قبل و بعد انقلابشان را در نظر بگیرند و بعد رأی دهند. پس مسئله خوب بودن خود شخص است، نه اینکه از یک دسته خاصی باشد، نه اینکه اهل علم باشد، حزبی باشد، بازاری باشد، اینها دیگر شرط نیست، عمده موازینی است که قانون و اسلام تعیین کرده است. ما باید مجلس را نگاه داریم».

باید بدنبال ایشان رفت و چراغ برداشت و جستجو کرد و به مجلس فرستاد نه بدنبال افرادی که در چنگال گروهی گرفتار و اسیر باشند و یا دنباله رو، کم ظرفیت و تنگ نظر بوده و تاب تحمل حرف طرف رانداشته، فاقد سعه صدر و منطق و استدلال و اقتناع باشند.

برادران! راستی اگر خدای نخواست، بنا باشد یک دوره چهار ساله توأم با جنگ روانی و گوشه و کنایه علیه یکدیگر و نطق های توهین آمیز و تضعیف کننده که در شان این نهاد مقدس نیست، ملی شود و جناح ها با حقد و کینه به یکدیگر بنگرند چه بازتابی خواهد داشت و دیگر چه مجالسی برای رسیدگی به

مسائل مهم و حیاتی جامعه که وظیفه اصلی مجلس است باقی می ماند؟ مجلس که نهادی توانمند برای نظام اسلامی بوده و هست و می بایست از منانت و رزانت و استحکام هر چه بیشتر برخوردار باشد، بدانگونه که در شان کشور سربلند و سرفراز چون کشور ماست.

ریشه اختلافات از نظر امام
حضرت امام با اشاره به اینکه اختلاف مسئولین و کارگزاران امور اگر بالا گیرد بعد

امام خمینی (قدس سره):
«ما باید مجلس را
نگهداریم».

گشرش خواهد یافت و به کل جامعه و همه کشور حرایت خواهد کرد می فرمودند:

«... کامیوندارها اگر با هم مختلف بشوند به بازار هیچ کاری ندارد. اما اگر در صف ما اختلاف پیدا شود این اختلاف به بازار کشیده می شود، به خیابان هم کشیده می شود، برای اینکه شما هادی مردم هستید، مردم توجه دارند، فهدا یک دسته بدنبال شما، یک دسته دنبالی آن کسی که با شما مخالف است و یک وقت می بینید که در همه ایران یک اختلافی از ناحیه ما پیدا شده است... و این را من به شما عرض کنم ما و شما نباید خودمان را بازی بدهیم، اختلاف ریشه اش از حب نفس است... ملت همه با هم بودند که توانستند یک همچو معجزه ای را ایجاد کنند، اگر چنانچه بواسطه اختلاف ماها یک وقت اختلاف به بازارها بکشد که خواهد کشید، به خیابان هم بکشد، به اصناف دیگری بکشد، این تمام ورزش به گردن ماست».

(صحیفه نور، ج ۱۸ ص ۱۶)

وصایای حضرت امام را که امانت الهی است نزد ما، مدنظر داشته باشیم.
حضرت امام (رضوان الله علیه) در خصوص حفظ وحدت و غششی کردن توطئه های تفرقه انگیز در وصیتنامه سیاسی- الهی خود فرموده اند:

«اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقا است فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده های بومی آنان تمام خود را صرف شایعه ها و دروغ های تفرقه افکن نموده و میلیاردها دلار برای آن صرف می کنند».

«توصیه اینجانب به مسلمین و خصوصاً ایرانیان بویژه در عصر حاضر آن است که در مقابل این توطئه ها عکس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند».

و در خاتمه یک سخن داریم و آن اینکه انسان نیازه مریس دارد، بیائید امام را بعنوان یک مریس بزرگ و اسوه اخلاق و فضیلت باور کنیم و برای همیشه درسهای انسان ساز آن بزرگ را پیش روی داشته باشیم، کتاب «جهاد اکبر»، «صحیفه نور» و «جهل حدیث» آن بزرگوار باید هر روز برابر ما گشوده باشد، بیائیم این منابع غنی فرهنگی و ارشادی را که در قفسه های کتابخانه های ما موجود است برای خودسازی بخوانیم و نه برای شعار که این شغای همه دردهای ماست.

والسلام